

طرق تحصیل فضای صدور روایات و گونه‌های تأثیرگذاری آن

حمید زراعت کاشانی^۱
حمید ستوده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

چکیده

فضای صدور کلام معصومان، بستر تولد آن‌ها و هم‌چون قرینه حالیه، همراه کلامشان بوده است. بر این بنیان، فهم صحیح از روایات در گرو تلقی احادیث همراه با فضای صدور آن‌ها است، اما خواسته یا ناخواسته، غالباً در مجموعه‌های حدیثی که روایاتش مورد رجوع حدیث خوانان و استادان اهل فن قرار می‌گیرد، عنایتی در قامت آثار این نهاد نقش‌آفرین نشده است. البته تلاش‌های برخی از فضلالی معاصر در تبیین برخی زوایای مربوط به فضای صدور روایات ستودنی است. نوشتار حاضر سعی کرده با بیان راه‌های رسیدن به فضای صدور از جمله شناخت مخاطب مستقیم، خانواده‌نگری روایات، شناخت شئون معصوم علیه السلام، موافقت با محک‌های عقلی و نقلی و عمومات فوقانی و گزاره‌های تاریخی معتبر و شناخت اندیشه‌های فقهی و عقیدتی مقابل هر امام معصوم علیه السلام و شناخت فرهنگ گفتگو و قواعد و اصول صدور متن عصر تشریح و تبیین شریعت همراه با نمونه‌هایی در آثار دانشیان فقه، رسیدن به فضای صدور روایات و گونه‌های متفاوت تأثیر آن‌ها را ممکن جلوه دهد؛ پرواضح است اعتبار سنجی این راه‌ها مجال دیگری طلبد.

کلیدواژه‌ها: فضای صدور، مخاطب روایات، شئون معصوم، خانواده‌نگری روایات، مکاتب فقهی اهل سنت.

۱. دانش پژوه سطح سه مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام (نویسنده مسئول) (hzkashan65@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران (sotudeh.h@iums.ac.ir).

حدیث یکی از تراث پرمحتوا و گران بهای اسلام است، ولی در خیلی از موارد، همراه بسترهای صدور و ظرفیت‌های پیرامونی‌اش به دست ما نرسیده؛ در حالی که این عناصر کمکی شایان و گاه ضروری به فهم مراد متکلمان آن‌ها است.

گاه محیط احادیث، در فضای اعتقادی حاکم یا باوری خاص و تحت نفوذ فرهنگی عمومی بوده و معنایی خاص از کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به ذهن مخاطب منتقل می‌کرده و طبعاً مخاطبان سخن، از اطلاق یا عموم واژگان موجود در آن سخن، معنایی متناسب با آن فضای فرهنگی می‌فهمیده‌اند.

گاه روایتی را که به ظاهر در بردارنده قضیه حقیقیه است، بریک مصداق خارجی حمل و گاه از یک قضیه خارجی، عموم یا اطلاق حکم را فهم می‌کرده‌اند و گاه واژه مجمل یا مشترک موجود در روایت، طبق فرهنگ عمومی زمان خود، معنایی خاص یافته و یا برای مخاطبان موجود در آن فضا (مکان و زمان)، روشن و آشکار بوده است.

براین بنیان، در فهم احادیث، نباید تنها به فهم الفاظ آن بسنده کرد، بلکه باید همه قرینه‌ها و حتی عناصر غیرزبانی، اما مرتبط با آن الفاظ صادر شده را بیابیم. این عناصر بیشتر همراه با قرینه‌های مقامی مانند شرایط اجتماعی و تاریخی، فضای فرهنگی و علمی، وضعیت مقام گفتگو، شخصیت مخاطب و پرسش‌های نهان راوی حدیث هستند.

برای شناخت فضای صدور باید موارد متعددی را لحاظ کرد؛ از جمله پرسش مخاطب، نیاز مخاطب و جامعه، عرف و عادت فراگیر مردمان و شهر و منطقه، باورهای غالب در میان جامعه، ارتکازات و ذهنیت‌های فردی و اجتماعی، نظام حاکم و فرهنگ حکومتی، تمایلات جامعه و نظام حاکم، تمایلات و سلايق مخاطب، امکان و عدم امکان پاسخ‌گویی صریح از جانب معصوم علیه السلام.

به نظر می‌رسد نخستین فقیه پرچم دار احیای این مهم مرحوم آیه الله بروجردی است. ایشان گاه با توجه به نکاتی خاص، از جمله محل سکونت راوی و اندیشه‌های فقهی غالب و غیر غالب مقابل هر امام معصوم و غیره فضای صدور برخی روایات را به تصویر کشیده و برای استنباط از آن بهره برده‌اند. کتاب فضای صدور حدیث و تأثیر آن در بازساخت قضایای حقیقیه و خارجی، از حسین محققیان در این زمینه قدم‌هایی مناسب برداشته است. نیز برخی مقالات به تفصیل در این مورد به بحث نشست‌اند و علاوه بر تعریف، راه تشخیص آن

را هم ذکر کرده‌اند. «فضای صدور»، از سید محمد کاظم طباطبایی و «مخاطب مستقیم حدیث و تأثیر آن بر صدور، فهم و حجیت روایات»، از حسین محقیان و «روش کشف اسباب صدور حدیث»، از عبدالحمید واسطی از جمله آثار در این زمینه است. صرف ذکر سبب صدور در کتبی از جمله البیان و التعریف فی معرفة اسباب ورود الحدیث الشریف، از ابن حمزه دمشقی و کتبی دیگر آمده است که در پیشینه مقاله «اسباب صدور حدیث» داود سلیمانی از آن‌ها یاد شده؛ اما پرواضح است که هدف این نوشتار صرف این مطلب نیست. در این نوشتار، نویسنده درصدد بیان تعدادی از راه‌های رسیدن به فضای صدور، همراه با بیان نمونه‌هایی در آثار دانشیان فقه است. البته گونه‌های تأثیرگذاری آن‌ها نیز در خلال کار روشن می‌گردد.

فضای صدور با توجه به مخاطب و متکلم و مقام مخاطب، قابلیت تقسیم به سه دسته متناسب با سه رکن در کلام دارد. در نتیجه، راه‌های رسیدن به فضای صدور از سه جهت قابل پی‌گیری است. سه جهت مذکور به شرح ذیل است:

۱. مخاطب روایات

رساندن معانی و مقاصد، غالباً توسط کلام محقق می‌شود و کلام حاوی پیام متکلم، به مخاطبان خود با شرایط و ویژگی‌های خاص خودشان القا می‌شود و مخاطبان، کلام را در بستر تولدش با همه قراین عمومی و خصوصی‌اش دریافت می‌کنند.

به دیگر سخن، هدف از تکلم، تأثیرگذاری بر مخاطب و انتقال مطلبی به اوست. در این زمینه، مخاطب همانند متکلم، یکی از اجزای تشکیل دهنده گفتگو و نوشتار است^۱ که پیام کلام را با توجه به قراین پیرامونی‌اش دریافت می‌کند.

پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ نزدیک به ۳۴۰ سال^۲ با مخاطبین خود در ارتباط بودند و در این دوران، افراد و گروه‌های مختلف با فرهنگ‌های گوناگون از سراسر سرزمین پهناور اسلامی، با ملیت‌ها و مذاهب متفاوت، خدمت ایشان رسیده و با این بزرگواران صحبت می‌کردند و معصومان ﷺ متناسب با فرهنگ و نیاز این مخاطبان با آن‌ها ارتباط داشتند، و تکالیف دینی هر گروه را به آن‌ها آموزش و مشکلات اعتقادی آن‌ها را حل می‌کردند و این

۱. «مخاطب حدیث و نقش آن در شناخت قضایای حقیقیه و خارجیه»، ص ۴۶.

۲. از آغاز بعثت تا پایان غیبت صغری.

افراد، هر کدام ظرفیت‌ها و ذهنیت‌های متفاوتی داشتند. پرواضح است با توجه به سیره، عرف و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام بیان یکسان به همه این افراد با وجود این تفاوت‌ها درست نبوده و تغییر مخاطب، مقتضی تغییر در گفتار و رفتار است.^۱

بدین سبب از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

هیچ گاه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عمق عقل خویش با مردم سخن نگفت، بلکه می‌فرمود: ما گروه پیامبران مأمور هستیم که با مردم به اندازه عقل آن‌ها سخن بگوییم.^۲

ذهنیت افراد - که متأثر از شرایط فکری و نیازهای منطقه‌ای و زمینه‌های ذهنی بوده - در قابلیت و توانایی فهم و برداشت پرسش‌گران و چگونگی پاسخ‌های متین ارائه شده توسط معصومان بسیار نقش‌آفرین بوده است. براین بنیان، برای فهم درست پاسخ امام به سؤال پرسش‌گران باید محیط زندگی و افکار رایج حوزه معیشت پرسش‌گر را به درستی شناخت؛ چرا که پرسش‌ها بازتاب زندگی فکری و نیازهای روزمره مردم مناطق گوناگون است. به دیگر سخن، فهم محتوای پاسخ بدون توجه به پرسش و فهم آن، دشوار و در بسیاری از موارد گمراه‌کننده است و متکلم حکیم در پاسخ، این نکته را از نظر دور نمی‌دارد.^۳

برآیند مطالب فوق این است که در فرآیند شناخت فضای صدور توسط مخاطب روایت، توجه به شخصیت خود راوی و سؤالات او حایز اهمیت است.

۱-۱. مخاطب مستقیم

شناخت ویژگی‌های مخاطب مستقیم کمک شایانی به فهم فضای صدور روایت می‌کند. براین اساس، مطالبی در مورد این پدیده بیان می‌شود.

در یک تقسیم کلی، مخاطبان معصومان علیهم‌السلام نیز دو گروه بودند:

گروه اول. فقیهان و اصحاب خاص معصومان علیهم‌السلام؛ مانند ابان بن تغلب، زراره بن اعین، محمد بن مسلم، ابن ابی عمیر و دیگر محدثانی که اکثر احادیث از طریق آنان انتقال یافته است.

گروه دوم. افرادی که در جوامع حدیثی نام آنان به ندرت دیده می‌شود و اطلاعات رجالی درباره اکثر آنان وجود ندارد؛ افراد عادی که سؤال‌های شخصی از معصوم زمان خود

۱. «مخاطب حدیث و نقش آن در شناخت قضایای حقیقیه و خارجییه»، ص ۴۶.

۲. جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِيهِ قَطُّ، وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ (الكافي، ج ۱، ص ۲۳، ح ۱۵).

۳. مکتب اجتهادی آیه الله بروجردی، ص ۲۰۳.

می‌پرسیدند؛ بدون این که قصد تعلیم قاعده و حکم کلی در بین باشد. معصومان نسبت به دسته اول - که برای بیان احکام تربیت شده بودند - اگر جهت دیگری مانند تقیه نبود، اصول و قواعد عام را بیان می‌کردند و کشف حکم فروع را بر عهده این اصحاب قرار می‌دادند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

بر ماست که اصول را برای شما بگوییم و بر شماست که فروع را به دست آورید.^۱

برای شناخت مخاطب مستقیم، توجه به این مطالب، کمک شایانی می‌کند: روان‌شناسی و شخصیت‌راوی، خانواده، عقاید، پیشه و شغل، زبان، زادگاه و نژاد.^۲ مرحوم علامه شعرانی با توجه به افکار و عقاید مخاطب حدیث، به برخی شروح مرحوم ملا صالح مازندرانی ایراد و با دقت به این عنصر، درصدد بیان مراد معصوم برمی‌آید؛ مانند حدیث محاجّه امام صادق علیه السلام با دیصانیه که معتقد بودند نور و ظلمت خود به خود (بدون طرح قبلی) مختلط شده‌اند؛ بدون این که اختیار و علت فاعلی‌ای غیر از آن دو در این فرآیند مؤثر باشند و این که تکوّن و تحقق اشیا به مقتضای ذات دو عنصر نور و ظلمت است. امام علیه السلام با استفاده از مثال تخم مرغ و تشریح داخل آن، سعی در ابطال افکار باطل مخاطب و فهماندن حق به اوست.^۳

شرح متفاوت مرحوم شعرانی با مرحوم ملا صالح نسبت به محاجّه امام صادق علیه السلام با دهری حاصل توجه به این پدیده است.^۴ در نمونه‌ای، شناخت راوی، یعنی محمد بن اسماعیل بزیع و عبدالحمید به فهم مراد امام کمک می‌کند؛ چرا که امام علیه السلام در روایت می‌فرمایند: اگر مثل تو و عبدالحمید باشد، اشکالی ندارد.^۵

رهاورد مطالب پیش‌گفته توجه به شناخت راوی مستقیم در فرآیند فهم روایات است. یکی از راه‌های شناخت راوی، توجه به روایات اوست؛ چرا که این توجه هادی به فضای ذهنی راوی است و حتی گاهی برخی شک‌ها زایل می‌شود؛ مثلاً این که فلان راوی معمولاً سؤالات فقهی می‌پرسد و فلان راوی بیشتر سؤالات عقیدتی. و اگر شک شود که فلان روایت

۱. رک: «مخاطب حدیث و نقش آن در شناخت فضای حقیقیه و خارجیّه»، ص ۴۸.

۲. «نقد متن ۲ (پیشینه تاریخی)»، ص ۱۱.

۳. شرح الکافی، ج ۳، ص ۳۴-۳۵، نقل از «تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث»، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۴. شرح الکافی، ج ۳، ص ۱۳، نقل از «تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث»، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۶۳، ح ۲.

راوی اول آیا در احکام هست یا عقاید، راه‌گشا خواهد بود؛ به عنوان نمونه، نگاه فقیهان به روایات زراره از امام صادق علیه السلام با روایت هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام یکسان نخواهد بود؛ چرا که تخصص هر راوی در مطلبی بوده است. نیز این که فلان راوی، شخصی سنی متعصب بوده یا فارس‌زبان و غیره، در فهم روایات او مؤثر است؛ مثلاً فقیهان با دانستن این که عمار ساباطی به عربی مسلط نبوده است، نوع نگاهشان به روایات او با روایات راویانی که عرب اصیل و مسلط بودند، فرق دارد.

محقق اصفهانی با توجه به شناخت مخاطب مستقیم، یعنی توجه به آگاهی پیشینی راوی - که روایتی دیگر از امام هفتم علیه السلام دارد - برداشت خاصی از نقل این راوی نسبت به روایت حسن بن جهم از امام هشتم علیه السلام ارائه می‌دهد.^۱ در بیان ایشان، شناخت فضای ذهنی یک راوی، آن هم از طریق ملاحظه روایات او، استنباط از روایت راتحت تأثیر قرار داده است.^۲ نیز محقق اصفهانی احتمال اعتقادی بودن روایت را در عرصه فکر نهاده است.^۳ بر فرض اگر راوی کسی باشد که در روایات اعتقادی کار می‌کرده است، این احتمال پرننگ‌تر شده و اطلاق در عقاید و غیر آن خدشه‌دار و محل بحث خواهد شد.

بایسته بیان است، به دلیل این که استعداد و تقطن و اطلاعات راویان با یکدیگر متفاوت بوده، ممکن است فهم خود راویان هم از کلام معصوم علیه السلام متفاوت باشد. این که گاه در یک جلسه بیش از یک فهم از یک کلام معصوم بوده، شاهد بر این مدعا است و لذا در برخی روایات تذکر معصومین علیهم السلام نسبت به فهم اشتباه مخاطبانشان، مشاهده می‌شود.^۴

۲-۱. سؤال مخاطب

سؤال مخاطب از عناصر تشکیل‌دهنده فضای صدور روایت است. لذا توجه به این عنصر نیز در فهم فضای صدور روایت بسیار حایز اهمیت است. بر این بنیان، بسیاری از فقیهان، در مباحث فقهی حدیثی خود از سؤال موجود در حدیث - که از مخاطب مستقیم امام علیه السلام است - استفاده کرده و آن را قرینه‌ای برای مراد نهایی امام دانسته و گاه ظهوری کاملاً متفاوت را از آنچه بدون توجه به سؤال فهمیده می‌شود، به حدیث نسبت داده‌اند.

۱. نهاية الدراية في شرح الكفاية (طبع قدیم)، ج ۳، ص ۳۶۱.

۲. خارج اصول، محمدجواد فاضل لنکرانی، ۱۳۹۸.

۳. نهاية الدراية في شرح الكفاية (طبع قدیم)، ۱۳۷۴ق، ج ۳، ص ۳۷۳.

۴. الرسائل الأصولية، ص ۲۹.

مرحوم بروجردی، بعضی روایات را با توجه به کوفی و عوام بودن سائل و رواج فتاوی ابوحنیفه در آن دیار توضیح می‌دهد.^۱ نیز مرحوم خوئی با توجه به سؤال راوی، فهم خود را از روایت متفاوت از فهم دیگر فقیهان به عرصه فقه ارائه می‌دهد.^۲

نمونه‌هایی دیگر از توجه به عنصر فوق در پیش روی خواننده قرار می‌گیرد:

گاه به قرینه پرسش راوی، یکی از چند معنای محتمل حدیث برگزیده^۳ و گاه فقهاء اطلاعات پاسخ را به قرینه سؤال مقید کرده و گاه عمومات آن را تخصیص زده^۴ و گاه از انعقاد و شکل گیری اطلاق و عموم جلوگیری کرده^۵ و گاه اجمال حدیث را با توجه به سؤال در حدیث، برطرف ساخته‌اند.^۶ همین طور به قرینه سؤال راوی، مراد از ظُهر در عبارت «فرض الله الظهر يوم الجمعة» نماز جمعه دانسته شده نه نماز ظهر.^۷

مجلسی دوم حدیثی که به ظاهر، فهماننده حصر نواقض وضو است، را مورد بررسی و به قرینه پرسش راوی، حصر آن را حقیقی نمی‌داند.^۸ در جاهایی واژه علم را تنها به قرینه سؤال راوی بر معنای گمان و احتمال، حمل می‌کند.^۹ نمونه دیگر حمل کلمه «یجوز» برخلاف معنای خود است که برخی آن را به قرینه پرسش راوی، به معنای «یلم» گرفته‌اند.^{۱۰}

گفتنی است گاه راوی پس از پاسخ امام علیه السلام دوباره سؤال می‌کرد و دور جدیدی از پرسش و پاسخ آغاز می‌شد، در این گونه موارد پرسش دوم راوی نیز به فهم حدیث و پاسخ اول کمک می‌کند زیرا راوی، از مخاطبان و اهل همان زبان و سؤال خود را بر اساس آن چه از پاسخ امام علیه السلام فهمیده، طرح می‌کند و این فهم، از اهمیت بسزایی برخوردار است به ویژه اگر در

۱. مکتب اجتهادی آیه الله بروجردی، ص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ رک: «شناخت خصوصیات مخاطبان معصومان علیهم السلام و تأثیر آن در فهم حدیث».

۲. موسوعه الامام الخونی، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۳. مستند الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۳؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۳۱۰.

۴. کتاب الصلاه، ص ۳۹۲.

۵. مشارق الشموس فی شرح الدروس، ج ۱، ص ۲۲۱ و ۲۸۹؛ کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط - القدیمة)، ج ۲، ص ۲۹۹، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۳، ص ۱۵۵.

۶. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۶، ص ۲۸۴.

۷. همان، ج ۹، ص ۳۶۷.

۸. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۷۷، ص ۲۱۴، ج ۴.

۹. همان، ج ۷۷، ص ۳۶۴؛ ج ۸۹، ص ۸.

۱۰. تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۹، ص ۱۵۵، ج ۶۳۶.

پاسخ امام، انکاری متوجه آن فهم نگردد.^۱

با توجه به شناخت راوی مستقیم اعم از تسلط او بر زبان عربی و ضبط او و در پی این‌ها دیدن روایات او و مقایسه برخی روایات او با روایات هم‌مضمون دیگر، نیز مشخص می‌شود آن راوی چه مقدار اهل نقل به معنا بوده؛ هم‌چنین مشخص می‌شود که یک سری روایات، تعدد در بیان از معصوم ندارند بلکه یک بیان اما به مضامین مختلف نقل شده‌اند. برآیند مطالب پیش‌گفته جزاین نیست که برای شناخت مخاطب مستقیم توجهی شایسته به مطالب رجالی و روایات راویان نیاز است. برای بنیان، شناخت مخاطب روایات و سؤالات او، در شناخت فضای صدور روایات تأثیر بسزایی دارد، بدین جهت می‌توان یکی از راه‌های رسیدن به فضای صدور روایات را مخاطب روایات دانست.

۲. متکلم (معصومین علیهم‌السلام)

این قسمت از این نوشتار به رسیدن به فضای صدور روایت از جهت متکلم آن اختصاص می‌یابد؛ چرا که با شناخت متکلم و نظام فکری و مبانی و بیانات دیگر او، تصویری از فضای صدور بیانات او رخ می‌نماید. این جهت از بحث در سه مبحث پی‌گیری می‌شود:

۱-۲. خانواده‌نگری احادیث

روال طبیعی در گزارش روایات، آن است که استدلال‌کننده تنها بخش مورد نیاز خویش را نقل کند. به دیگر سخن، گزارش‌گر سخن معصوم علیه‌السلام گاه در پی نقل قطعه‌ای از سخن بوده و قراین مذکور در متن یا پرسش راوی را ذکر نکرده‌اند. تقطیع خطبه‌ها و نامه‌های بلند امامان علیهم‌السلام روشی صحیح، منطقی، عقلایی مقبول و مطابق با نیاز بوده؛ گرچه موجب حذف قراین نقش‌آفرین در فهم معنا شده است.^۲

به دلایلی، از جمله قرار نگرفتن همه احکام و معارف در قرآن و حدیث در کنار هم و تفاوت سخن گفتن معصومان علیهم‌السلام بر اساس شرایط و نیازهای متفاوت فرد و اجتماع، وجود احادیث مختلف به واسطه سخن گفتن معصومان علیهم‌السلام به تناسب فهم مخاطبان، وجود

۱. روش فهم حدیث، ص ۱۲۱-۱۲۴.

۲. «سیری در کتاب الوافی»، ص ۲۰۱. از کتبی که اشاره به تقطیع روایات کرده و بخش‌های تقطیع شده را نقل یا آدرس داده است، کتاب الوافی مرحوم فیض کاشانی است (الوافی، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳؛ ج ۴، ص ۳۶، ۱۹۵، ۲۴۱، ۲۵۵، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۶۵، ۳۸۸؛ ج ۵، ص ۱۷۴، ۹۴۷، ۱۰۶۴؛ ج ۶، ص ۳۶۸؛ ج ۷، ص ۲۳۵؛ ج ۸، ص ۱۰۲۱؛ ج ۸، ص ۷۳۹ و ۱۰۲۸؛ ج ۹، ص ۱۳۷۱، ۱۷۶۱؛ ج ۳، ص ۵۰۰ و ۶۸۶؛ ج ۵، ص ۸۰۴، ۸۳۹ و ۱۰۹۶).

احادیث مختلف به سبب تقیه امامان علیهم السلام، پدیداری تعارض میان روایات بر اثر عوامل درونی و بیرونی، وجود روایات متفاوت بر اثر تقطیع و حذف قراین و وجود روایاتی که نقل به معنا است، برای فهم نظر شرع در هر موضوع، بازبایی خانواده ضروری می‌نماید.

نیز متن محوری معارف دینی و مقتضای فهم آن‌ها به دور از پیش فرض‌های ذهنی و تمایلات شخصی و تنها متکی بر نص قرآن و روایت و شیوه‌های منطقی و صحیح استفاده از آن‌ها است. بازبایی خانواده حدیث در هر موضوع کمک به درک فضای صدور روایت و در پی آن، منجر به استظهارات صحیح می‌شود.^۱

براین بنیان، بازبایی موضوعی و گردآوری احادیث هم‌مضمون، روش عمومی محدثان و فقیهان بزرگ ما بوده است. مرحوم بروجردی با کنار هم نهادن وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و افزودن آیات و روایاتی دیگر، این روش پسندیده را ادامه داد و کار استنباط فقیهان را آسان‌تر و صحیح‌تر نمود. سید موسی شبیری زنجانی نیز معتقدند: حتی احادیث ضعیف در یک موضوع را نیز باید گرد آورد و در کنار احادیث صحیح نهاد و به صورت یک مجموعه واحد به آن‌ها نگرست تا مراد از واژه‌های کلیدی به کار رفته در احادیث صحیح و تعریض‌ها و ناظر بودن هر حدیث به دیگری روشن شود.

مرحوم خوبی در بررسی معنای ترقیق ثیاب، با عدم اعتنا به روایات دیگر، به فضای صدور نرسیده و فرموده‌اند: وجود لباس‌های بدن نما در زمان صدور روایت معلوم نیست؛ در حالی که از برخی روایات برمی‌آید که لباس بدن نما در آن زمان وجود داشته است. در نتیجه، استظهار ایشان از روایت مشکل دارد که ترقیق ثیاب را به معنای به کم کردن لباس تفسیر کرده، نه نازک بودن لباس.^۲

گاهی با توجه به خانواده حدیث، معنای روایت بر خلاف ظاهر مطلقش، مقید فهم می‌شود؛ به عنوان نمونه، در مورد قبول دیه توسط عاقله، گرچه روایت در ظاهر، مطلق است، اما منحصر به بعضی موارد جنایات دانسته شده است؛ بدین بیان که در برخی از این دسته روایات، عبارت «تحمله العاقله» افزوده شده و تحمّل عاقله تنها در قتل و جراحاتی که در حکم قتل باشد، یعنی موضعه^۳ و ما فوق آن است. پس، از کثرت این روایات مشخص

۱. روش فهم حدیث، ص ۱۵۹-۱۶۰ و ۱۵۳؛ منطق فهم حدیث، ص ۱۸۹-۲۱۳.

۲. کتاب نکاح، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.

۳. موضعه: جراحی که استخوان را آشکار سازد.

می‌شود که عدم ذکر قید به جهت قرینه عام بوده، نه این که در هر مورد قرینه خاصی بوده و به ما نرسیده است. لذا وجود این قرینه عام سبب می‌گردد که از روایات غیر مذیل به «تحمله العاقله» هم اطلاق فهمیده نشود.^۱

برآیند مطالب مطرح شده، این است که از راه‌های رسیدن به فضای حصول روایات و شناخت بستر تولد آن‌ها، شناخت روایات هم مضمون و هم موضوع با آن‌ها است تا منظومه فکری متکلم و جایگاه سخنان او و در نتیجه، فهم آن‌ها برای مخاطبانی که قرن‌ها دور از صدور بوده‌اند، محقق شود.

۲-۲. شناخت شئون معصومین

پرواضح است که معصومان علیهم‌السلام نیز در میان مردم با مردم زندگی می‌کردند و مشکلات و مسائل زندگی اجتماعی و فردی و گفتگوهای عادی و رفتار عقلایی خویش را با مردم داشته‌اند و با وجود این عناصر، حامل شریعت مطهر برای مخاطبان خود نیز بوده‌اند.

شارع مقدس، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مبینان معصوم شریعت علیهم‌السلام از شأن واحد برخوردار نبوده و آنچه بیان یا سیرت عملی بر آن داشته یا مکاتبه کرده‌اند، از شئون مختلف بوده، از این رو، نمی‌توان پدیده‌های مذکور را به طور مطلق شریعت دانست و نصوص مبین آن گفتار یا سیرت را مبین شریعت قلمداد کرد.^۲ بر این بنیان، در این مبحث، شئون مختلف حاملان شریعت برای نیل به فضای کلام ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بزرگان و محققانی از فقه و اصول به این پدیده توجه کرده‌اند. شهید اول تصرفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را گاهی به عنوان تبلیغ و بیان کننده حکم خدا - که فتوا است - و گاهی به عنوان امامت و رهبری و گاهی به عنوان قضاوت و داوری دانسته است.^۳ محقق ایروانی در برخی موارد، کلام معصوم علیهم‌السلام را «بما انه طیب» دانسته، نه «بما انه مولی». ^۴ نیز مرحوم بروجردی به عنوان نکته لطیفه اعجاب آور به تفکیک شأن سلطانیه با شأن تبلیغ و ارشاد و آثارشان می‌پردازند.^۵ و مرحوم امام فرموده‌اند:

۱. کتاب نکاح، ج ۱۰، ص ۳۴۰۲-۳۴۰۱.

۲. فقه و مصلحت، ص ۴۹۴-۴۹۵.

۳. مبانی رفع تعارض اخبار، ص ۱۱۲-۱۱۵، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۷.

۴. نهایه النهایه فی شرح الکفایه، ج ۱، ص ۹۰.

۵. نهایه الأصول، ص ۱۰۸-۱۰۹.

هر صادری از معصوم علیه السلام موجب حکم شرعی نمی‌شود.^۱

به عبارت دیگر، سخن صادر از ایشان، وقتی در استنباط به کار می‌آید که از شأن تشریح و بیان شریعت باشد؛ و الا اگر نصی مثلاً به عنوان بیان واقع باشد، نظیر آنچه در روایات ملاحم است، نمی‌توان در استنباط مورد بهره‌برداری قرار داد.^۲

براین بنیان، نشانه‌شناسی احکام الهی و حکم حاکم و تفکیک نصوص میبین هر یک از دیگری از بایسته‌های اجتهاد جامع و فنی است؛ هر چند فرض بر اصل تشریح و بیان حکم الهی دانسته شود؛ گرچه اثبات این اصل خالی از صعوبت نیست، لکن حتی بنا بر ثبوت آن، چون یک اصل است و استثناپذیر، گفت وگواز نشانه‌ها، توجیه‌پذیر است.^۳

دقت در الفاظ صادر از معصوم علیه السلام می‌تواند به شناخت شئون کمک کند؛ چنان که بعضی نشانه‌های حکم حاکم از این قرار است: ۱. انتساب آن به غیر خداوند یا خداوند و غیر خداوند! ۲. تعلیل حکم به مصلحت و عناصر متغیر در زمان و مکان (مثل روایات ضمان صاحبان حرف)؛ ۳. اختلاف حکم در دوزمان یا مکان یا شرایط گوناگون، به گونه‌ای که در نص منعکس گردد و حاکی از نسخ حکم پیشین، توسط پسین نباشد، نشان دیگری از غیرالهی بودن حکم است.^۴

الفاظی مثل «امر، قضی، حکم» نیز نشان از شأن حکومتی یا از شأن قضاوت دارند؛ نه مبین شریعت دائمی که البته در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام هست، نه سائر ائمه علیهم السلام.^۵ نیز «اوصیک» و امثال این‌ها بیان‌گر اخلاقی و تربیتی بودن است، نه بیان شریعت.^۶

براین بنیان، باور به شئون مختلف معصومین علیهم السلام و قبول نشانه‌ها برای آن‌ها کمک به شناخت فضای صدور صادر از ایشان کرده و در پرتو آن فهم صحیح شریعت محقق می‌شود. بایسته بیان، این که شناخت شئون معصوم با شناخت فضای صدور رابطه دوسویه داشته و شناخت هر یک موجب شناخت دیگری است.

۲-۳. موافقت با محکمت عقلی و نقلی و عمومات فوقانی

بررسی موقعیت کلام نسبت به محکمت عقلی و نقلی و عمومات فوقانی از راه‌هایی

۱. الرسائل، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۲. خارج فقه، ابوالقاسم علی‌دوست، شرایط قاضی، ص ۲۱۳.

۳. فقه و مصلحت، ص ۸۰۲.

۴. همان، ص ۸۰۲-۸۰۴.

۵. الرسائل، ج ۱، ص ۵۲.

۶. فلسفه علم فقه، ص ۴۰۹.

است که کمک می‌کند تا نظام فکری متکلم و مبانی او و در نتیجه، فضای صدور روایت روشن گردد.

سیره و کتابت معصوم علیه السلام خلاف مسلمات عقل، نقل و عمومات فوقانی نیست. لذا می‌توان فضای صدور روایت مخالف را بازشناسی و احیاناً برخی روایات را کنار گذاشت، یا قضیه شخصی دانست و یا علمش را به اهلش واگذار کرد و دست رد به سینه برخی استظهارات زد. منظور از اصطلاح «عمومات فوقانی»، مجموعه آیات حاوی احکام کلی، همراه با اهداف دین و قواعد فقهی و قطعیات عقلی است. هم‌چنین باید مراعات نظام معرفتی دین (خصوصیات شارع، خصوصیات انسان و جامعه)، اهداف دین و مقاصد الشریعه، مجموعه قواعد فقه، اولویت‌های شارع، تأسیس اصل، مجموعه احکام تعیین کننده مرزها (واجب و حرام)، مجموعه احکام تعیین کننده پسند شارع (مستحبات و مکروهات) را نمود.^۱

مخالفت با قواعد قضا در روایتی^۲ که ادعای زن بر عدم اخذ مهریه بعد از زفاف و دخول مرد بوده و درخواست بینه از زن و قسم از مرد را دارد، نمونه‌ای از بیان فوق را در کلام عده‌ای از دانشوران فقه به تصویر کشیده که در پی کشف فضای صدور و تفسیر صحیح آن برآمده‌اند. روایت مزبور بدون لحاظ فضای صدور، یعنی همراه بودن اماره‌ی عادت مردمان به پرداخت مهریه قبل زفاف، با ادعای مرد، خلاف قاعده می‌نماید و بعض بزرگان نیز بدون توجه به فضای صدور در پی توجیهاتی ناموفق بوده‌اند.^۳

۳. مقام تخاطب

مقام تخاطب، فضای گفت‌وگوست که همراه با قراین پیرامونی صدور و معین صورت خاصی از تخاطب است. این صورت خاص می‌تواند شمول به شکل عمومیت و اطلاق یا خاص و تقیید یا غیره در کلام باشد. برخی دانشیان علم اصول، برای اطلاق‌گیری، مقدماتی از جمله عدم قدر متیقن در مقام تخاطب را شرط دانسته‌اند.^۴ این شرط، هادی به این نکته

۱. «روش کشف اسباب صدور حدیث»، ص ۲۰۷.

۲. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بِامْرَأَتِهِ ثُمَّ ادَّعَتِ الْمَهْرَ، وَقَالَ: قَدْ أُعْطِيَكَ فَعَلَيْهَا الْبَيْتَةُ وَعَلَيْهِ الْيَوْمِ (وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۵۷، ح ۷).

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۵۷.

۴. کفایه الاصول، ص ۲۴۷.

است که فهم مقام مخاطب در فهم مراد متکلم مؤثر است. برای رسیدن به مقام مخاطب سه راه پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد:

۱-۳. گزاره‌های تاریخی

گزاره‌های تاریخی برای رسیدن به مقام مخاطب مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته باید گزاره‌های جامع و معتبر مورد استناد قرار گیرند تا قابلیت نمایش صحیح مقام مخاطب را داشته باشند.

به دیگر بیان، تاریخ هر پدیده، از چگونگی وقوع آن خبر داده و به شناسنامه‌ای می‌ماند که آیندگان را از هویت و چگونگی آن باخبر می‌سازد.^۱ این‌که روایت در مقام پاسخ به سؤالی خاص یا در مقام شکایت یا در قضاوت یا در خطبه خوانی یا در جنگ یا در نامه‌نگاری یا در گفت‌وگوی با اصحاب خاص یا حتی در دعاخواندن بوده با بازخوانی گزاره‌های تاریخی پیرامون آن واقعه، شناسایی و قابل پی‌گیری خواهد بود.^۲

مرحوم امام، علاوه بر اطلاع بر مطالب رجالی و اقوال فقهای فریقین، آگاهی نسبت به مقداری از تاریخ اسلام را از شرایط لازم در استنباط دانسته‌اند.^۳ آیه الله خامنه‌ای برای غنابخشیدن به فقه، در توصیه به حوزه‌های علمیه فرموده‌اند:

تاریخ هم بسیار مهم است. حتی در فقه هم می‌شود از تاریخ استفاده کرد. بسیاری از مسائل فقهی با تاریخ مرتبط است. ما به این ارتباط، کمتر توجه کرده‌ایم و آن را کشف نکردیم.^۴

مرحوم محمدتقی حکیم هم احاطه به تاریخ صدور سنت را لازم می‌دانند.^۵ پیشوایان ما، به حکمت جدال احسن، عمل کرده و به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به گفت‌وگویا مکاتبه با پیروان ادیان دیگر و نقد اندیشه‌ها و فتاوی فقیهان غیر شیعی می‌پرداختند. مناظره‌های حضرت صادق علیه السلام با برخی زنادقه در اثبات وجود خداوند متعال و با ابوحنیفه در نقد قیاس و غیره نمونه‌هایی مشهور است.^۶

۱. «تاریخ صدور حدیث»، ص ۱.

۲. «روش کشف اسباب صدور حدیث»، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۳. «تأثیر آگاهی از فضای صدور در اجتهاد»، ص ۵۸.

۴. «تاریخ صدور حدیث»، ص ۴.

۵. «تأثیر آگاهی از فضای صدور در اجتهاد»، ص ۵۹.

۶. الاحتجاج علی اهل اللجاج: التوحید.

به دیگر بیان، سخنان ایشان در خلأ نبوده و فضای صدوری مخصوص داشته، اما با توجه به فاصله زمانی بسیاری که میان ما و زمان صدور روایات وجود دارد و معمولاً محدثان و گردآوردندگان حدیث آن را اشاره نکرده‌اند، چگونه می‌توان از «تاریخ صدور» آگاه شد؟ برای پاسخ باید نکات ذیل لحاظ شود:

۱. به دست آوردن تاریخ و فضای کلی دوران هریک از معصومان علیهم‌السلام؛

در این شناسایی بایسته است محورهای زیر روشن گردد:

جریان‌های سیاسی، حاکمان و سلطه‌های سیاسی، احزاب و حرکت‌های اجتماعی، مسائل فکری و عقیدتی و پرسش‌های رایج، مکتب‌های فقهی، شرایط جنگ و صلح، شرایط فقر و غنا، میزان ارتباطات با سایر شهرهای اسلامی و ممالک غیراسلامی.^۱

۲. آگاهی یافتن از شغل، وضعیت زندگی و روحیات شخصی راویان؛

۳. شناسایی اصول حدیثی و مصادر اولیه که در عصر حضور تدوین یافته‌اند.^۲

در این میان، یافتن اسباب ورود احادیث، از امام باقر علیه‌السلام به این سو، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا از دهه‌های آغازین قرن دوم هجری، نحله‌های فکری، مکتب‌های کلامی و مدرسه‌های فقهی گوناگونی پا به عرصه‌ی حیات علمی مسلمانان نهاده و امامان معصوم ما - که مرزبانی عقیده و بینش اسلام راستین را به عهده داشتند - به میدان آمدند. لذا روایات شریف آنان یا در فضای علمی وارد شده است، یا در مقام پاسخ به پرسش‌های راویان یا در مقام نقد نظر و فتاوی فقیهان اهل سنت یا رد و انکار بدعتی آشکار برآمده‌اند.

برای نمونه، شناخت زمینه صدور روایات نهی از قیاس - که به صرف شباهت، نه هیچ

۱. شرایط اجتماعی زندگی معصوم علیه‌السلام در کتبی از جمله: الصحيح من السیره النبویه، سید جعفر مرتضی عاملی؛ سیره الائمه الاثنی عشر تألیف معروف حسنی؛ نقش ائمه در احیای دین تألیف سید مرتضی عسکری؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تألیف رسول جعفریان و کتبی دیگر از جمله ملل و نحل و الفرق و المذاهب الاسلامیه، مانند ملل و نحل شهرستانی؛ فرهنگ فرق اسلامی محمد جواد شکور؛ نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت علیهم‌السلام تألیف سید مصطفی مطهری؛ «جستارهایی در مدرسه کلامی قم» و «جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد» از منشورات دارالحدیث قم است.

۲. تاریخ حدیث شیعه، تألیف غروی نائینی؛ تاریخ حدیث شیعه، تألیف سید محمد کاظم طباطبایی؛ تاریخ عمومی حدیث، تألیف مجید معارف؛ پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تألیف مجید معارف؛ حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، تألیف مهدی مهریزی؛ رساله فی تدوین الحدیث، تقریر لایحاث سماحه آیه الله سیستانی، به قلم السید محمد علی الربانی؛ تدوین السنة الشریفه، تألیف سید محمد رضا حسینی جلالی. کتبی از اهل سنت در زمینه تاریخ تشریح - که کم هم نیست - برای آشنایی با تاریخ تشریح مفید می‌نماید؛ گرچه ضوابط خاص استفاده را دارد.

دلیل دیگر، حکم یک موضوع را برای موضوع دیگر قرار می‌دهد - می‌رساند که قیاس نه تنها در فقه، بلکه در عقاید نیز باطل است و در عوض، قیاس منطقی، مقبول و حتی مورد کاربرد ائمه علیهم‌السلام در احتجاج‌های کلامی و نیز فقه است. هم‌چنین، نهی از جدال و مناظره - که در برخی روایات است - زمان خاص یا افراد مشخصی را در بر می‌گیرد.

منابع تاریخی شیعه، برای فهم سیره اهل بیت علیهم‌السلام کمتر از اهل سنت است؛ چرا که تاریخ‌نویسی در شیعه کم بوده است. البته تا قرن پنجم بیشتر بوده، گرچه آثار باقی مانده از آن بسیار کم است، اما از آن به بعد به طور تقریبی در متون روایی رفته است. نمونه شاخص آن در آثار شیخ صدوق رحمته‌الله، خصوصاً کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام و کمال الدین مرحوم صدوق است؛ اما در اهل سنت، تاریخ‌نویسی زیاد بوده است. لذا برای آگاهی بیشتر از زندگی تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام باید از منابع تاریخی اهل سنت هم کمک گرفت؛ خصوصاً این‌که در منابع تاریخی شیعه بیشتر نگاه اعتقادی حاکم و توجه به مناقب، فضایل و معجزات بوده و جهت نگاه، جهت تاریخی اجتماعی نبوده است. لذا توجه کمتری به لایه‌های زندگانی تاریخی ائمه علیهم‌السلام داشته‌اند.

البته در استمداد از منابع تاریخی اهل سنت باید تعصب و نگاه خاص کلامی و فقهی نویسنده مدّ نظر باشد؛ مثلاً ابن عساکر - که یک شخص اشعری در عقاید و شافعی در فقه بوده - گزارش‌هایی در زمینه عقاید مخالف عقیده امامی شیعه نقل کرده که مورد قبول نیست و موارد مشترک با شیعه دارد و مواردی هم متفرد دارد که مخالف با مذهب شیعه نیست.^۱

۲-۳. اندیشه‌های فقهی و عقیدتی عصر هرامام

شیعیان در دوره حضور اهل بیت علیهم‌السلام، در مراکز گوناگون جغرافیایی و معمولاً در کنار اهل سنت - که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند - می‌زیستند. از این رو، طبیعی است که بسیاری از پرسش‌های آنان برگرفته از فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه بوده و آن فضا نیز از آرای محدثان و فقیهان دیار آنان اثر پذیرفته باشد.

شکی نیست که آگاهی بر فتاوی عامه به طور جدّی در فقه و استنباط فقهی مؤثر است؛ خصوصاً در جایی که نیاز به تشخیص تقیه‌ای بودن روایات باشد یا مطلبی مورد اجماع مسلمین هست یا نه، یا روایتی از ضروریات دین است یا نه، بلکه محققاً اطلاع بر آرای عامه در فهم بعض روایات دخیل است؛ مثل آنچه در جهر بسمله وارد شده است.^۲

۱. «تأثیر منابع تاریخی اهل سنت در مطالعات سیره‌شناسی ائمه علیهم‌السلام»، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۲. رسائل فی الفقه و الاصول، ص ۲۴۳.

براین بنیان، برای دستیابی به فضای صدور روایات شیعی، افزون بر جست‌وجو در روایات فقهی اهل سنت، باید به فتاوا و آرای فقیهان سنی معاصر با امامان علیهم‌السلام نیز توجه شود.^۱ وحید بهبهانی، محقق نراقی، مرحوم نائینی و مرحوم شاهرودی، ملاک بررسی قول عامه را، قول عامه زمان صدور روایت می‌دانند.^۲

محقق شبیری نیز معتقد است که روایات ما بیشتر ناظر به فتاوی متداول در میان عامه بوده است.^۳ بدین سبب، در نظر مرحوم بروجردی حمل روایت بر تقیه، آنگاه مُجاز است که روایت با قول مشهور عامه هم‌آهنگی داشته باشد، نه اقوال شاذ و نادر.^۴

مرحوم بروجردی نیز معتقد بودند از آن‌جا که اغلب فقه امامیه از ائمه علیهم‌السلام گرفته و هر کدام از آن‌ها معاصر گروهی از فقیهان صاحب فتوا و مورد مراجعه مردم از بین مخالفان بوده‌اند، در دستیابی به روایات و توضیح مدلول آن‌ها ناگزیر از مراجعه به فتاوی هم‌دوره امامی که روایت از او نقل شده، هستیم.^۵

از منظر ایشان، مباحث فقه و حدیث اهل سنت، قرینه منفصل برای فهم روایات شیعه به شمار می‌روند. به دیگر بیان، در بسیاری از موارد، فقه شیعه و احادیث فقهی شیعه تقریباً حاشیه و تعلیقه بر فقه و فتاوی اهل سنت محسوب می‌شود؛ زیرا آن فقه، بر جامعه و محیط صدر اسلام، حاکم بوده و نظرات آنان سبب پدید آمدن سؤال در ذهن عالمان شیعه شده و این پرسش‌ها را با ائمه علیهم‌السلام مطرح کرده‌اند.^۶

بررسی تاریخ اهل فقه و حدیث اهل سنت نشان‌گر این است که فرهنگ فقهی - حدیثی اهل سنت در دو سده نخست در شهرهای گوناگون متفاوت بوده است؛ زیرا مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، حنبلی و شافعی) هنوز پدید نیامده و یا فراگیر نشده بودند و صحابه پیامبر برداشت و یا آگاهی خود را برای مردمان دیار خویش بازگویی کردند. تابعان و دیگر عالمان فقیه هر دیار نیز برداشت و رأی خود را با توجه به مبانی خاص خویش

۱. «فضای صدور»، ص ۹.

۲. الحاشیه علی مدارک الأحکام، ج ۱، ص ۶۶-۶۷؛ مستند الشیعه، ج ۴، ص ۳۴۷؛ قراءات فقهیه معاصره، ج ۱، ص ۱۰۸؛ کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۵۳.

۳. کتاب نکاح، ج ۱۱، ص ۴۱۰۲-۴۱۰۳.

۴. مکتب اجتهادی آیه الله بروجردی، ص ۲۰۴.

۵. همان، ص ۲۰۱.

۶. طباطبائی، خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۰۷۳۴۷.

بیان می‌کردند. طبیعی است که زاویه دید فقهایی که اهل رأی بوده و اعتنای کمی به روایات نبوی داشتند، همانند ابوحنیفه (فقیه کوفه) و حکم بن عتیبه (فقیه بصره) با زاویه دید احمد بن حنبل و مالک بن انس (فقه‌های مدینه) - که تمایل به نقل‌گرایی داشتند - متفاوت بوده است.^۱

قابل دقت است که آرای ائمه اربعه اهل سنت پس از امام باقر و امام صادق علیهما السلام مورد توجه قرار گرفته است. شافعی و احمد بن حنبل پس از امام صادق علیه السلام (۱۴۸ق) به دنیا آمده و ابوحنیفه و مالک بن انس، هر چند امام صادق علیه السلام را درک کرده‌اند، اما دیدگاه‌های فقهی آن‌ها در بیشتر دوران امام باقر و امام صادق علیهما السلام به دلیل تیرگی روابطشان با حکومت اموی و برخی از خلفای عباسی، مورد توجه حکومت و مردم قرار نگرفت و دست‌کم چنان نبود که نظرشان، نظر غالب تلقی شود. تنها ابوحنیفه در یک دوره کوتاه چهارساله مورد احترام سفاخ عباسی بود، ولی در زمان منصور، مغضوب بود. مالک نیز گرچه از روزگار خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) گاهی محبوب مردم یا حکومت بود، ولی از آن‌جا که این دوره مصادف با دهه سکوت امام صادق علیه السلام است، احادیث چندانی موافق او را نمی‌توان یافت که حمل بر تقیه شود؛ مگر آن‌که فشارهای اجتماعی و پشتیبانی توده عوام مردم نیز در تحقق تقیه دخالت داده شود.^۲

عدم توجه دقیق به اطلاعات پیش‌گفته مقام تخاطبی ناصحیح در دست مستنبط قرار می‌دهد و برآیند تلاش او حرکت در مسیری ناصواب خواهد بود؛ برای نمونه، مرحوم شیخ یوسف بحرانی گرچه متبحر در حدیث است، اما در مواردی، دچار عدم توجه به دیدگاه فقهی معاصر امام شده است؛^۳ مثلاً روایت «لا تقضی الحائض الصلاة و لا تسجد إذا سمعت السجدة»^۴ از حضرت امیر علیه السلام را با توجه به نظرات ابوحنیفه و شافعی و احمد بن حنبل، حمل بر تقیه کرده است!!^۵ نیز روایتی از آن حضرت را به علت موافقت با قول شافعی، حمل بر تقیه می‌کند!!^۶ و اظهار از روایت امام باقر علیه السلام را نیز حمل بر تقیه می‌داند؛ چرا

۱. تعارض الأدله و اختلاف الحدیث، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۲. آسیب‌شناسی حدیث، ص ۳۴-۴۸.

۳. «فضای صدور»، ص ۱۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۵.

۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۳، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۶. همان، ج ۷، ص ۳۴۵.

که موافق مالک و شافعی و احمد بن حنبل و اصحاب رأی و اکثر فقها می‌داند.^۱ نیز احتمال می‌دهد روایتی که عدم جواز نماز در ابریشم را بیان می‌کند، به جهت موافقت با ابی حنیفه و شافعی و احمد تقیه‌ای باشد.^۲

محقق اصفهانی نیز، برای بررسی تقیه و عدم تقیه بودن روایات، مقایسه کردن با فقه ائمه اربعه اهل سنت را مطرح می‌کند.^۳ البته اگر مبنای فقهی این باشد که ممکن است ائمه علیهم‌السلام نسبت به اندیشه‌های فقهی اهل سنت بعد از خود هم تقیه کنند، امکان چنین حملی خواهد بود؛ اما چنین مبنایی بدین شکل، صحیح نمی‌نماید.

برای ملموس شدن این‌که توجه به اندیشه‌های عقیدتی عصر امام معصوم علیه‌السلام به فهم فضای صدور روایت و در نتیجه فهم درست روایت کمک می‌کند، بیان نمونه ضروری می‌نماید. در این میان، روایاتی در کتاب شریف وسائل الشیعة (ج ۱۵، ص ۵۰-۵۶) و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱۱، ص ۳۴-۳۹)^۴ است که گاه از آن‌ها نتیجه عدم جواز تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت گرفته شده است، اما با توجه به فضای صدور آن‌ها چنین برداشتی صحیح نمی‌نماید.^۵

۳-۳. فرهنگ گفتگو و قواعد و اصول صدور متن در عصر تشریح و تبیین شریعت

گفت‌وگویی شارح با مردم در قالب محاوره با آن‌ها بوده است؛ یعنی انتقال پیام خود را در در بستر محاوره با مردم - که مخاطبان پیامش بوده‌اند - قرار داده است.

به دیگر سخن، ظواهر که تجلی‌گاه محاوره مردمان است، طریق ارتباطی اهل محاوره در فضای گفت‌وگو است، بنابراین، اگر شارح در گفت‌وگویی خود با قومی، زبان آن‌ها را برای ارتباط برگزیده، نمی‌تواند فهم آن‌ها و هم چنین قواعد حاکم بر محاوره آن قوم را نپذیرد. در واقع، علم فقه، اصول و کلیه علوم که مبتنی بر کلام خداوند متعال هستند، متفرع بر این

۱. همان، ج ۷، ص ۷.

۲. همان، ج ۷، ص ۹۷.

۳. صلاة المسافر، ص ۱۱۷.

۴. این روایات عمدتاً ضعیف‌السند هستند، ولی در بین آن‌ها روایات صحیح‌السند هم هست؛ حتی صحیح‌اعلایی. لذا بررسی سندی روایت لازم نیست؛ چون نزدیک به سی روایت است. بده اگر بخواهیم از یک روایت جمله خاصی را - که مضمون مشترک بین روایات نیست - استفاده کنیم، در این صورت باید آن روایت را بررسی سندی کنیم. بده در مضامین مشترکشان بررسی سند روایت لازم نیست.

۵. فقه سیاسی، ابوالقاسم علی‌دوست، جلسه ۹ تا جلسه ۱۶.

مبدأ تصدیقی اند که خداوند متعال فهم مخاطبین خود را پذیرفته است.^۱ بر این بنیان، هر قانون‌گذاری، از جمله شارع مقدس، در ابلاغ قانون به مکلفین آن قانون، باید به قواعد محاوره رایج در میان مخاطبین خویش پایبند باشد، از لغت و واژه‌های آن‌ها بهره‌برد و به عرف آن‌ها در محاوره مقید و چنانچه اصطلاح یا شیوه خاصی دارد، یادآوری نماید؛ و گرنه باید مطابق رویه و عرف مردم، محاوره خویش را سامان دهد.^۲ ساختارها و قواعد و شیوه‌های مکالمه و رساندن مقصود در محاورات در دو دسته ثابت و تغییرناپذیر و بین‌المللی و غیر ثابت و تغییرپذیر و حتی گاه محلی جای می‌گیرند و بخشی از بحث حاضر، ناظر به دومی است. استفاده از تشبیه‌ها و ضرب‌المثل‌ها می‌تواند از مصادیق آن باشد. معصومین علیهم‌السلام در گفت‌وگوی خودشان و برای تبیین معارف و احکام دین از فن تشبیه و مثل‌های موجود در زبان عربی در موارد زیادی استفاده کرده‌اند. کسی که توجه به مثل بودن عبارتی نداشته باشد، نمی‌تواند مراد معصوم علیهم‌السلام را از آن کلام دریابد. در این زمینه کتاب الوافی مرحوم فیض کاشانی، از کتبی است که قدم در توضیح و تبیین تشبیه‌ها و ضرب‌المثل‌های موجود در روایات، نهاده است؛^۳ به عنوان نمونه، مرحوم فیض می‌فرماید:

«عدد ربیعه و مضّر» یک ضرب‌المثل است، ربیعه و مضّر نام دو قبیله است و برای بیان فراوانی یک شیء، به این دو قبیله مثل می‌زنند.^۴

بزرگانی از فقهات در بررسی علوم مورد نیاز برای اجتهاد، به تفصیل نیاز به بحث‌های ادبی از جمله لغت و صرف و نحو و قواعد بلاغی را تشریح کرده‌اند.^۵ نکته قابل توجه، این‌که برخی کارها، در فضای صدور روایات تعظیم و برخی تحقیر بوده، اما در این زمان بدان شکل نیست و برخی موارد دیگر هم بدین شکل یا به طور جزئی تغییر داشته‌اند؛ مثلاً در زبان نهج البلاغه گاه و بی‌گاه انسان‌ها به حیوان تشبیه شده‌اند؛ در فرهنگ و زبان عربی اگر انسان در صفت خاصی به حیوانات تشبیه شده باشد، ظهور اولیه این

۱. فرآیند اثبات مسئله در علم اصول، ص ۴۱.

۲. فقه و عرف، ص ۲۱۵؛ رک: تعارض الأدله و اختلاف الحدیث، ص ۲۱۱-۲۲۲؛ الرسائل الأصولیة، ص ۲۹.

۳. «سیری در کتاب الوافی»، ص ۲۰۵.

۴. الوافی، ج ۶، ص ۵۱۷، نقل از «سیری در کتاب الوافی»، ص ۲۰۵.

۵. الأصول العامة فی الفقه المقارن، ص ۵۵۴-۵۵۵.

تشبیه در این است که هیچ معنای مذمومی در آن وجود نداشته باشد. برای همین هم حمل کردن این تشبیهات بردشنام‌گویی نیاز به قرینه دارد، اما اگر به صورت مطلق، نه در صفتی خاص، به انسان‌ها نام حیوانی را اطلاق کنند. ظهور اولیه این تعبیرها در دشنام‌گویی است. بر این بنیان، فهمندگان نهج البلاغه باید توجه کنند که حیوانات در فرهنگ‌های مختلف نماد صفات ثابتی نیستند و زشت بودن یا زشت نبودن آن‌ها هم در زبان‌های مختلف ثابت نمی‌ماند.^۱

مطالب پیش‌گفته آشنایی با متون سیصدساله اول اسلام، از جمله روایات، صحیفه سجادیه و... شناخت فرهنگ گفتاری آن زمان، خصوصاً فرهنگ گفتاری اهل بیت علیهم‌السلام را برای یک اسلام‌پژوه مهم جلوه می‌دهد و توسط این مهم می‌توان فضای صدور روایات را به دست آورد.

البته ممکن است برای گردآوری تک تک مطالب مورد نیاز تا رسیدن به نمایی جامع از فضای صدور روایات و حتی گاه برای بررسی فضای صدور در یک موضوع خاص، نیاز به کارگروهی باشد و در پی آن، تحقیقات اولیه در زمینه‌های مختلف مربوط در اختیار متصدی استنباط قرار گرفته تا با تجزیه و تحلیل اطلاعات درصدد استنباط صحیح و متناسب با شریعت جامع، جهانی و جاودان برآید.

بایسته بیان است که این قلم، مدعی انحصار طرق رسیدن به فضای صدور در موارد مذکور نیست و رسیدن به فضای صدور از هر راهی پیشنهاد نمی‌شود، بلکه بعضی موارد یا فضا را به دست نمی‌دهد یا نتیجه قابل اعتبار ندارد که این بحث، مجال جدا می‌طلبد.

نتیجه

۱. بدون درک معنای صحیح حدیث - که قطعاً با کمک‌گیری از فضای صدور به عنوان یک قرینه حالیه حاصل می‌شود - نمی‌توان نظری را به دین منتسب کرد؛ چرا که توجه به فضای صدور روایات، هر روایتی را به مثابه قطعه‌ای از پازل شریعت، به معنای اعم، به جای صحیح خود نهاده و چهره زیبایی از نظر شارع ارائه دهد، نه تصویری درهم و ناموزون.

۱. «نگاهی معناشناختی به حیوان‌انگاری انسان‌ها در زبان نهج البلاغه و لزوم حفظ حرمت انسان»، ص ۲۶؛ رک: اسباب

اختلاف الحدیث، ص ۴۴۲.

۲. برای رسیدن به فضای صدور، راه‌هایی با توجه به مخاطب و متکلم و مقام مخاطب ارائه شد؛ در بُعد مخاطب، بحث ویژگی‌های مخاطب مستقیم و سؤالات وی و در بُعد متکلم، خانواده‌نگری و شئون معصوم و موافقت با محکومات عقلی و نقلی و عمومات فوقانی و بالاخره در بُعد مقام مخاطب، گزاره‌های تاریخی و اندیشه‌های فقهی و عقیدتی معاصر امام معصوم و فرهنگ گفت‌وگو و قواعد و اصول صدور متن در عصر تشریح و تبیین شریعت ارائه شد و برای سنجش کمک‌رسانی این عناصر به درک فضای صدور و تأثیر هر یک، مثال‌هایی از کتب فقهی و حدیثی ارائه شد که نتیجه حاصل از این مباحث، تأثیر مستقیم این موارد در تحصیل فضای صدور روایت است؛ البته اعتبارسنجی این راه‌ها دیگر سخنی است که قابل پی‌جویی است.

پیشنهادها

۱. شناسایی جریان‌ات فقهی مقابل هر یک از حضرات علیهم‌السلام (تولد و وفات و انتشار فتوای صاحبان آن‌ها) و اندیشه توده مردم و اندیشه فقهی و رفتار عملی حاکمان مقابل هر امام معصوم علیهم‌السلام.
۲. شناخت فضای تدوین احادیث.

کتابنامه

- الاحتجاج علی اهل اللجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مترجم: محمد مهدی سازندگی، قم، بقیه الله علیهم‌السلام چاپ پنجم، ۱۳۹۶ ش.
- اسباب اختلاف الحدیث، محمد احسانی فرلنگردودی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵ ش.
- آسیب‌شناسی حدیث، عبدالهادی مسعودی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ش.
- الأصول العامة فی الفقه المقارن، محمد تقی بن محمد سعید حکیم، قم، مجمع جهانی اهل بیت، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
- الحاشیة علی مدارک الأحکام، محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، شعبه مشهد. چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

- تعارض الادله و اختلاف الحدیث، سید علی حسینی السیستانی، قلم السید الهاشم الهاشمی، بی‌جا، بی‌تا،
- تهذیب الأحکام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، محقق / مصحح: حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، مترجم: حمید مظهر قراملکی، قم، صلوات، ۱۳۹۵ش.
- جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، سید احمد بن یوسف خوانساری، قم، مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، محقق / مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بن ابراهیم آل عصفور بحرانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- خارج اصول، محمد جواد فاضل لنکرانی، ۱۳۹۸-۱۳۹۹ش.
- خارج فقه، ابوالقاسم علی دوست، ۱۳۹۹-۱۳۹۸ش.
- الرسائل، روح الله خمینی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- الرسائل الأصولیة، محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- رسائل فی الفقه و الاصول، محمد جواد فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
- روش فهم حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ نهم، ۱۳۹۳ش.
- روش فهم متن، هادی رستگار مقدم گوهری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
- ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط - القديمة)، سید علی بن محمد طباطبایی حائری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، بی‌تا.
- شرح اصول الکافی، محمد صالح بن احمد مازندرانی، محقق / مصحح: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
- فرایند اثبات مساله در علم اصول، محمود رضا عصار، بی‌جا، بی‌تا.

- فقه و عرف، ابوالقاسم علیدوست، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
- فقه و مصلحت، ابوالقاسم علیدوست، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ دوم. ۱۳۹۰ش.
- فلسفه علم فقه، سعید ضیایی فر، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
- قراءات فقهیه معاصره، سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- القوائد و الفوائد، محمد بن مکی عاملی، شهید اول، محقق / مصحح: سید عبد الهادی حکیم، کتابفروشی مفید، چاپ اول.
- الکافی (ط - الإسلامية)، محمد بن یعقوب کلینی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب الصلاة، میرزا محمد حسین غروی نائینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- کتاب نکاح، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، محمد بن حسن فاضل هندی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- کتاب الصلاة، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- کفایة الاصول، محمد کاظم خراسانی، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ هفتم، ۱۴۳۱ق.
- محاضرات فی الأصول، روح الله خمینی، مقرر: حسینعلی منتظری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- مشارك الشموس فی شرح الدروس، آقا حسین بن محمد خوانساری، بی جا، بی تا.

- مکتب اجتهادی آیه الله بروجردی، زهرا اخوان صراف، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبائی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. چاپ اول ۱۳۹۰ ش.
- موسوعة الإمام الخوئی، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- نهاية الأصول، حسین بروجردی، مقرر: حسینعلی منتظری، تهران. چاپ: اول ۱۴۱۵ ق.
- نهاية الدراية في شرح الكفاية (طبع قديم)، محمد حسين اصفهانی، قم، سید الشهداء، چاپ اول، ۱۳۷۴ ق.
- نهاية النهاية في شرح الكفاية، علی ایروانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- الوافی، مولی محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان، انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام. ۱۴۱۲ ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- «تأثیر آگاهی از فضای صدور در اجتهاد»، سعید ضیایی فر، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی نو در علم فقه، ۱۳۹۴، سال ۲۲، شماره ۲.
- «تأثیر شناخت زمینه‌های صدور در فهم حدیث»، سعدی صفاری، فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳۵-۳۶.
- «تأثیر منابع تاریخی اهل سنت در مطالعات سیره‌شناسی ائمه علیهم السلام»، عباس میرزایی نوکابادی و نعمت الله صفری روشانی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۵، شماره ۱۸.
- «تاریخ صدور حدیث»، مهدی مهریزی، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۷۶، شماره ۴.
- «روش کشف اسباب صدور حدیث»، عبد الحمید واسطی، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، سال ششم، ۱۳۹۸، شماره اول.
- «سیری در کتاب الوافی»، علی محمد، میرجلیلی، علوم حدیث، بهار ۱۳۸۷، شماره ۴۷.
- «فضای صدور»، سید محمد کاظم طباطبائی، علوم حدیث، سال هفدهم، ۱۳۹۱، شماره ۴.

«مخاطب حدیث و نقش آن در شناخت قضایای حقیقیه و خارجیّه»، حسین محققیان، محمد کاظم رحمان ستایش، حدیث حوزه، ۱۳۹۵، شماره ۱۳.

«نقد متن ۲ (پیشینه تاریخی)»، مهدی مهریزی، علوم حدیث، ۱۳۸۱، شماره ۲۶.

«نگاهی معناشناختی به حیوان‌انگاری انسان‌ها در زبان نهج البلاغه و لزوم حفظ حرمت انسان»، محمد عشائری منفرد، قم، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات، ۱۳۹۱ ش.

کنفرانس ۲۶ وحدت اسلامی، سید محمد کاظم طباطبائی، نقل از خبرگزاری حوزه www.hawzahnews.com/news، کد خبر ۳۰۷۳۴۷.